**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه470 – 12/ 08/ 1400 استصحاب کلی /تنبیهات /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه­ی گذشته، بحث در این بود که حالت سابقه­ی مکلف حدث اصغر باشد و پس از آن بلل مشتبه بین بول و منی از او خارج شود و ما در بحث اجتماع حدث اکبر و حدث اصغر قائل به تضاد این دو باشیم؛ با توجه به فرض مذکور آیا پس از وضو، استصحاب کلی حدث جاری می شود یا نه؟

مرحوم آقای صدر با بیان خاصی که داشتند در صدد نفی جریان استصحاب کلی بر آمده و فرمودند در اینجا استصحاب حاکمی بر استصحاب کلی وجود دارد.

در این جلسه به بررسی راه­های دیگر برای نفی جریان استصحاب کلی خواهیم پرداخت.

# بیان مرحوم آقای خوئی برای نفی جریان استصحاب کلی: تعین کلی حدث در حدث اصغر

به نظر می رسد برای توجیه حکم مشهور به کفایت وضو بعد از خروج بلل مشتبه برای شخصی که حالت سابقه­اش حدث اصغر بوده است، نیازی به بیانات مطرح شده توسط مرحوم آقای صدر (یعنی اختصاص رافعیت وضو، به حدث اصغر غیر مجامع با حدث اکبر) نیست چون همان­طور که مرحوم آقای خوئی می فرماید[[1]](#footnote-1) ما چه قائل به تضاد ذاتی باشیم و چه قائل به تضاد مرتبه ای و حدی باشیم و چه قائل به اجتماع حدثین باشیم یک نکته­ی مشترک در بین تمام صور داریم و آن عبارت است از این که ما نسبت به حدث اصغر سابق، یقین داریم و نمی­دانیم این حدث اصغر متیقن، متبدل شده است یا نه و این مجرای استصحاب عدم تبدل حدث اصغر است؛ به تعبیر مرحوم آقای خوئی استصحاب کلی در صورتی جاری می شود که هیچ اصلی که موجب تعین کلی در فرد خاص شود جاری نشود و در تمام این صور، استصحاب عدم تبدّل حدث اصغر موجب تعین کلی در همان فرد حدث اصغر است و به تعبیر دیگر قبل از خروج بلل مشتبه، کلی حدث در ضمن حدث اصغر بوده است و نمی دانیم این کلی حدث با خروج بلل مشتبه تغییر کرده است یا نه، اصل این است که کلی هنوز در ضمن حدث اصغر باشد و تغییری در آن ایجاد نشده باشد بنابراین به تعبیر ایشان فرقی بین این مبانی مطرح شده توسط مرحوم آقا ضیاء، وجود ندارد.

خلاصه این که اگر حدثین تضاد ذاتی داشته باشند شک در تبدل داریم و اصل عدم تبدل جاری می­شود و همچنین، اگر تضاد مرتبه ای داشته باشند به تعبیر مصباح الاصول، اصل این است که مرتبه قویه ایجاد نشده ولی تعبیر بهتر این است که همان اصل عدم تبدل را مطرح کنیم و اگر هم قائل به اجتماع حدثین باشیم، اصل این است که اجتماع نکرده باشند.

## تبصره­ای بر فرمایش مرحوم آقای خوئی

بیان مرحوم آقای خوئی (تعین کلی حدث در حدث اصغر بنابر تمام مبانی) در بسیاری از موارد درست است ولی به نظر می رسد در برخی موارد این تقریب جاری نمی شود؛ اگر حالت سابقه، حدث اصغر باشد ولی بدانیم حدث اصغر مجرد از حدث اکبر است کلام مرحوم آقای خوئی درست است، ولی اگر بر اساس مبنای اجتماع بین حدثین، احتمال بدهیم حدث اصغر، همراه حدث اکبر موجود بوده است و بعد، بلل مشتبه خارج شده است با توجه به این که \_علی المفروض\_ قائل به امکان اجتماع حدثین هستیم نمی توانیم با هیچ اصلی، کلی حدث را متعین در حدث اصغر بدانیم \_چون بنابر مبنای تضاد نفس علم به حدث اصغر ملازم به علم به عدم حدث اکبر است\_ و نهایتاً می توانیم استصحاب عدم حدوث حدث اکبر را جاری کنیم ولی اگر بخواهیم با این اصل نتیجه بگیریم کلی در حدث اصغر متعین است اصل مثبت می باشد و اعتبار ندارد.

البته ممکن است بنابر مبنای مختار ما در بحث اصل مثبت و استثنای موارد واجد شدت ملازمه از موارد اصل مثبت، ممکن است بگوئیم نفی افراد شدت ملازمه با نفی کلی دارد ولی صرف نظر از مبنای ما نمی توان کلام مرحوم اقای خوئی را در فرض مذکور جاری دانست.

در این فرض برای تمام شدن فرمایش مرحوم آقای خوئی نیاز به ضمیمه نموده بیان مرحوم آقا ضیاء است یعنی باید گفت در فرض احتمال همراه بودن حدث اکبر با حدث اصغر، اگر بخواهید استصحاب کلی کنید استصحاب کلی قسم ثالث است و دارای اشکال است و اگر قائل به مبنای تضاد بوده و احتمال همراهی این دو حدث را ندهید مجرای استصحاب کلی قسم ثانی است ولی استصحاب حاکم دارد.

خلاصه این که بحث باید به این شکل دنبال شود و نیازی به مطرح کردن مبانی مطرح شده توسط مرحوم آقای صدر نیست.

## توهم استصحاب کلی قسم ثالث بنابر مبنای تضاد بین حدثین

 ممکن است توهم شود بنابر مبنای تضاد ذاتی بین حدثین، فرع مذکور مجرای استصحاب کلی قسم ثالث است و حال آن که مرحوم آقا ضیاء فرموده مجرای استصحاب کلی قسم ثانی است. علت این توهم این است که در فرع مذکور حدوث حدث اصغر مقطوع است و احتمال می دهیم فرد دیگری که در ما نحن فیه حدث اکبر است جایگزین آن شده باشد و این مصداق کلی قسم ثالث است.

ولی باید دانست این توهم باطل است؛ توضیح مطلب این است که اگر زمان خروج بلل را در نظر بگیریم احتمال می دهیم فرد جدید، جایگزین فرد مقطوع الحدث شده باشد و مجرای استصحاب کلی قسم ثالث است ولی باید زمان وضو را در نظر بگیریم نه زمان خروج بلل را؛ در صورت لحاظ زمان وضو می گوئیم ما می دانیم قبل از وضو و در زمان خروج بلل، جامع حدث مردد بین حدث اصغر و اکبر وجود بوده و نمی دانیم با وضو مرتفع شده است یا نه چون اگر حدث اصغر باشد مرتفع شده و اگر حدث اکبر باشد هنوز باقی است و این مصداق کلی قسم ثانی است؛ در فرع مذکور دیگر به حدث اصغر قبل از خروج بلل کاری نداریم لذا این فرع مصداق دوران بین فرد قصیر و طویل می باشد و مجرای استصحاب کلی قسم ثانی است.

خلاصه این که مرحوم آقا ضیاء از حکم مشهور به کفایت وضو، نتیجه گرفتند ایشان قائل به مبنای تضاد بین حدثین نبودند درست نیست چون ممکن است مشهور قائل به تضاد حدثین باشند ولی به دلل وجود اصل حاکم که تعیین کننده حدث اصغر است استصحاب کلی را جاری نکره باشند.

# شک در تضاد داشتن یا نداشتن حدثین

با توجه به مطالب مرحوم آقای خوئی روشن می شود اگر به لحاظ فقهی، شک داشتیم حدثین با یکدیگر تضاد دارند یا نه، نیز استصحاب کلی جاری نمی شود چون کلی متعین در فرد خاص است در حالی که مرحوم آقا ضیاء از این جهت اشکال نکرد هاست بلکه فرموده است[[2]](#footnote-2): همین شک در تضاد و عدم تضاد باعث می شود احتمال بدهیم حدث کلی مشتبه بین بول و منی، مشکوک البقا باشد و استصحاب کلی قسم ثانی جاری شود؛ ایشان در ادامه از جهت دیگری اشکال اشکال نموده و می فرماید: با وجود این که این صورت، مصداق استصحاب کلی قسم ثانی است ولی معلوم نیست نقض یقین به شک صادق باشد چون در استصحاب، مستصحب باید به گونه ای باشد که بر فرض بقا، همان متیقن سابق باشد ولی در ما نحن فیه که بین مبنای تضاد و اجتماع حدثین شک داریم اگر در واقع بین حدثین تضاد وجود نداشته باشد، بقای حدث سابق بعد از وضو، به معنای این است که حدث متیقن، حدث اکبر بوده است در حالی که ممکن است متیقن سابق ما حدث اصغر باشد پس نمی دانیم آن چه محکوم به بقا است همان متیقن است یا نه، و همین تردید در این همانی بین متیقن و مشکوک ، مانع جریان استصحاب می شود.

## پاسخ مرحوم آقای صدر به اشکال عدم احراز اتحاد متیقن و مشکوک

مرحوم آقای صدر در چند مرحله به اشکال اخیر ایشان پاسخ می دهند[[3]](#footnote-3):

1. یک جواب ایشان این است که اشکال مرحوم آقا ضیاء مبتنی بر مبنای ایشان در علم اجمالی است چون ایشان متعلق علم اجمالی را واقع می داند لذا اگر در واقع حدث متیقن الحدوث، حدث اصغر باشد بعد از وضو دیگر نمی تواند محکوم به بقا باشد و اتحاد بین متیقن و مشکوک از بین می رود ولی طبق مبنای صحیح، متعلق علم اجمالی، به تعبیر مرحوم آقای صدر جامع، و به تعبیر ما جامع تردیدی یا فرد مردد است و طبق هر دو مبنا اشکال مرحوم آقا ضیاء مندفع می شود چرا که می توان گفت متیقن، بنابر مبنای مرحوم آقای صدر نفس جامع و بنابر مبنای ما جامع تردیدی یا فرد مردد است و مشکوک نیز همین عنوان است.
2. اشکال دوم مرحوم اقای صدر این است که مرحوم آقا ضیاء در استصحاب کلی قسم ثانی، بین موارد مانعه الخلو و مانعه الجمع تفصیل قائل شود و تنها موارد مانعه الجمع را مجرای استصحاب کلی بداند چرا که در تمام موارد موارد مانعه الخلو اشکال احراز این همانی بین متیقن و مشکوک وجود دارد و حال آن که چنین تفصیلی اولاً نامأنوس است و ثانیاً می توان تمام موارد مانعه الخلو را به مانعه الجمع باز گرداند و از این طریق اشکال را برطرف کرد؛ به این صورت که بگوئیم در موارد مانعه الخلو ما می گوئیم علم داریم یا حدث اصغر موجود بوده یا حدث اکبر موجود بوده و یا هر دو موجود بوده پس اطراف علم به سه قضیه مانعه الجمع منحل می شود.

### پاسخ اصلی به اشکال عدم احراز اتحاد متیقن و مشکوک

پاسخ اصلی به اشکال مرحوم آقا ضیاء این است که اگر شک داشته باشیم حدثین با هم تضاد دارند یا تضاد ندارند اتحاد متیقن و مشکوک صدمه ای نمی بیند چون یا در واقع بین حدثین تضاد وجود دارد یا تضاد وجود ندارد، اگر در واقع بین حدثین تضاد وجود داشته باشد همان­طور که خود مرحوم آقا ضیاء هم فرموده است مشکلی در اتحاد متیقن و مشکوک وجود ندارد چون به هنگام خروج بلل مشتبه اگر در واقع بین حدثین تضاد وجود داشته باشد در صورت بقای کلی حدث، این کلی لاجرم در ضمن حدث اکبر محقق است و معنایش این است که بلل مشتبه نیز منی بوده است و اتحاد متیقن و مشکوک صدمه ای نمی بیند ولی ایشان می گوید اگر در واقع تضادی بین حدثین وجود نداشته باشد نمی توان احراز کرد متیقن و مشکوک اتحاد دارند؛ ما می خواهیم بگوئیم این کلام ناتمام است چون اگر بین حدثین تضاد وجود نداشته باشد یا بلل مشتبه بول است که همان حدث اصغر سابق بوده و بعد از وضو مرتفع شده است و قابلیت بقا ندارد لذا باید گفت اگر کلی حدث بعد از وضو باقی باشد معلوم می شود بلل مشتبه حدث اکبر بوده است و با توجه به عدم تضاد حدث اکبر با حدث اصغر سابق، این حدث اصغر می شود حدث اصغر مجامع با حدث اکبر و بعد از وضو نیز همین حدث محکوم به بقا است لذا اتحاد متیقن و مشکوک چه در فرض تضاد و چه در فرض عدم تضاد محفوظ می باشد.

البته این پاسخ مبتنی بر مبنای اختیار شده توسط مرحوم آقای صدر است چون تنها طبق این مبنا است که حدث اصغر مقارن با حدث اکبر بعد از وضو هم باقی می­ماند.

1. مصباح الأصول ( طبع موسسة إحياء آثار السيد الخوئي )، ج‏2، ص: 129 [↑](#footnote-ref-1)
2. نهاية الأفكار، ج‏4قسم‏1، ص: 139 [↑](#footnote-ref-2)
3. مباحث الأصول، ج‏5، ص: 353 [↑](#footnote-ref-3)